

MUMBAI.

1856.57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS.

Pros.  
Serial No.

Files of SIRAJUL AKBAR.

Vol. 12; no. 40; December 20, 1856.

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi and  
select news from the DEHLI URDU AKBAR.

Foll. 4; Size 12" x 7 <sup>3</sup>/<sub>4</sub>". (Printed).

Previous References.

Later References.

سراج الاخبار جلد دوم

من تباری م... است... ماه... است...

اخبار دربار جهان... حاکم... حلیفه...

عالمیشان کورگانی... دوستان...

چو غم خانه... دوزخ...

ششماه... نگاه...

احترام... نفس...

بخشیده... شانه...

حضار... نظارت...

الدوله... شمس...

نخست... وکیل...

و دیگر... جوانان...

و کورنش... استیاد...

بعد... غزل...

جلد دوم

سراج الاخبار

حاکم... حلیفه...

عالمیشان...

چو غم خانه...

ششماه...

احترام...

بخشیده...

حضار...

الدوله...

نخست...

و دیگر...

و کورنش...

بعد...

خلافت جبهت ملاس تقیث مال مسرود  
 و بحرم دقلعه معلی و چهارسی مقدمه مذکور  
 بقایای ابدنی برکنه کونقا قسم قبول والا  
 ببا شیخ شفته قدس تنظیم نسیطر یافتن  
 بر دوانه بنام تحصیل ابرکنه برای وصول  
 زرضه لیب شده و تا که محل این  
 برای تیاری جمع خرج سال شده است  
 که داخل ایامی باغ حسب سرشته  
 مرتب گردد و تلاش متاع دزدی رستم  
 خان معرفت سر عدل بهادر لعل ای  
 وزیر اطلاع عدسی مقدمه دو بنکه شست  
 میرزا مان مدوح شود و در مقدمه  
 برکنه قبول بعد بلاخطه کاغذ متعلقه  
 ان حکم قضا توام عرض در خوام یافت  
 پذیرفتن اداب و کورنش محبت بهادر  
 و قلعه بهادر زمینی جمعا و جوهر  
 اچنتی و قلعه اری داخل انوان  
 شهر یاری شده نصف النهار  
 مگام نعمت برای مایه طعام گشته  
 فیلوله گاه اراشند با برای نماز  
 شین و دیگر اشغال نشین کرده

خسرین نماز بعرض حضوری توکر  
 رکاب متوجه سیر و کلکشت مقام  
 مرغوب شدیم شام گاه داخل  
 محل والاحاه گردیدند بعد مغرب  
 احترام الدوله بهادر را با فرمودند

## یوم یکشنبه بیست و دوم

بانشار بنا شیر صبح فرضه وقتی سواد نمود  
 احترام الدوله بهادر را بر نصل مقدمه اسبق  
 غنیمت بعرض حضوری از کین غنمت  
 نور ایشان در بار نصل با کرده اند  
 بار یا بان مرتب با حسب که ارده تظیر  
 حمایت جهان بینی استیادند بعد پذیرش  
 اداب و تسلیم حکمت بهادر و قلعه  
 بهادر بلاخطه دو قطعه و حسب العرض  
 کتبان کلس بهادر سسنت محکمه اچنتی  
 کمی شیخ نقل و ولکار عدالت دیوانی و بیجا  
 در صلح ملاعت به مقدمه حکمانه است  
 مدعی عقبه و کار پر دازان سلطنت  
 مدعی دعوی خلبانی طرف و عه اراضی

بهر خواست ثبت اطلاعاتی کارداران  
 خلافت و دومی مع نقل خط نواست اگر  
 خان رئیس جبهه در باب در شش بود  
 قضیه صد موضع کار و له نیول شاهی از  
 ستره در اجوتانه و غره با سنده عالی صد  
 حکم مرمت ششم بنام کار برد از ان خلافت  
 جهت روانگی که امی نعتی در اینجا برای انصاف  
 این امر فرمودند که ثبت اطلاعاتی کار برد  
 خلافت معرفت میر عدل مثبت گردد و  
 برای نصفه موضع مذکور جنرال در اینجا  
 شته کر است مرقه یکی بنام امین الله و  
 بهادر بجواب عرضی بهادر منصف مقدم  
 زرقه مناب سنکه و ضعی در سپه  
 و جیش رام ساپوان دکی مرزا کیومرث  
 بهادر و مرزا فرامر زنجت بهادر سیران  
 مرزا خجسته زنجت بهادر مرحوم مع  
 نقل میر عدل بهادر و نقل عرضی کار برد  
 مرزا بهادر در باب اداسی قسط قرضه  
 و هم نقل کیفیت مفصل قرضه مناب سنکه  
 و کیفیت قرضه جیش رام و جی داس بهادر

و نقل تمکات مهری آنها و دیگر کوی خود  
 وجه نفوت از روی شمل مرز به دار  
 و مقرری قسط سسی و بخور و پید در داد  
 آن موجب عرضی اقراضی انکار  
 از تنخواه انگریزی موسوسه آنها کوشی  
 التفات ندانشن معروضه مرزا مذکور  
 در باب شعر بدین ارشاد که القند  
 حاصل از مضمون شسته نه مرزا مذکور  
 را مطلع ساخته از خواستش بجای  
 علیحدگی تنخواه با تقریر انگریزی موسوسه  
 ذاتی نموده و دومی بنام اسفند  
 بهادر از انجمنی شعر رسیده مبلغ صد و  
 و سفت رو به ادنی صاحبه باج بسجل  
 بهر فرموده بنا بر اجرای فردا حواله  
 غلام احمد خان سپه جوگی نمودند وقت  
 بد بر قنن ادات و کوشش بهادر از ما  
 داخل ایوان ثبت عنوان شدند  
 نصف آنها هنگام نهمت برای مایه  
 طعام گشته قبوله گاه اساستند مایه  
 نماز کوشین و دیگر اشغال و نشین غیر

خواننده احسن بن نهار عرض حضور  
 تونزک در بار متوجه تفریح و سپرد  
 کلکنت اطراف سلیم که کرده  
 و در اثنای راه نظارت خان و دیگر  
 در اکین دشت به بحر انسلم نواخته  
 و ملاحظه سه کاغذ نادر نوشته از راه  
 بر تپی و در بجه تهر و که داخل شتبان  
 عووشان گردیده شبانگاه خرام  
 الدوله بهادر را با دفرمودند فقط

**دوم شبانه سوم**

قبل از طلوع نیز جهان افروز طاعت  
 بزندان بجا آورده احترام الدوله بهادر  
 را شرف تفریح شناسی داده و بعد از  
 حضار کاغذ ناصیه ساسی عقبه جان  
 کرده به اداب و کورنش معروض  
 کنانیده حضور به نور جلوه آری در بار  
 کشنده زب مسند سلطانی افتخوردند  
 و ملاحظه سه قطعه شقه و الا مرتبه  
 دارالانشاء سعید امین الدوله بهادر

کلی بمقتضای قرضه مزاج کجوت و غره و دو  
 رسیده ادنی باغ صاحب که خاکستره ان  
 درج تاج در دوزخ کرده و سومی آ  
 اسبنت بهادر به بارشاد و با بندگی تزر  
 قسط قرضه همان از ادنی فصله لست  
 سنه حال بر کنه کوش و ملتوی مانده  
 قسط قرضه معرفتی راجه زور اور چند  
 سنونی حکم اجرامی برشته دادند  
 بعده شوجیه شاه باغ کردند نصف  
 النهار از اینجا مرصحت نموده داخل  
 در میان شش بهادر و قلد بهادر  
 و کورنش بخت بهادر و قلد بهادر  
 ایامی دعا نموده تناول خاصه فرمودند  
 بعد استراحت قبوله و ادای جشن  
 و دیگر اشغال و جشن عصر گذارند آخر  
 نهار عهد سوازی و تونزک رکاب را  
 مرخص نموده شبانگاه احترام الدوله  
 بهادر را حسب معمول اندرون  
 محل سعید بهادر دادند فقط

**دوم شبانه سوم**

پیشانی شده شام گاه مراجعت  
 نموده داخل کاشانه اقبال  
 کرده اند بعد مغرب احترام الله  
 بهادر را یاد فرمودند فقط یک

## یوم چهارشنبه رست

ساعت دیر تک فریضه و فنی بود  
 نموده احترام الله و له بهادر را  
 نهنش شناسی دادند بعضی حضور  
 اراکین بلند تکمین دربار همانند  
 از فرضا صاحب قرآنی رونق چشمی  
 بخشیده غزل طبع زاد خاص زبانی  
 و قار الله و له محمد اسمعیل خان شنیده  
 به پذیرش اداب و کورش بهادر  
 ذیشان داخل ایوان خطه بنیان  
 گشته نصف النهار حکام نعمت برای  
 مایه طعام گشته قبله گاه استند  
 بادای نماز یکشنبه و دیگر اشغال دیر  
 عصر خواننده آخرین نهاد متوجه سلیم  
 که شده ملاحظه سیر کاغذ یاد فرمودند

باید دان بود ای فریضه و فنی احترام  
 الله و له بهادر را سعادت نهنش شناسی  
 بخشیده جلوه آرای دربار همانند  
 شدند اراکین بلند تکمین اداب و کورش  
 سجا آورده مورد استنادند شنیده  
 غزل طبع زاد خاص زبانی سخن الله  
 محمد اسمعیل خان سبحان دوران  
 ملاحظه دو قطعه شفه و الا بنام استند  
 بهادر اینجندی یکی مقدمه حکایتی  
 ابلا نث مشورت اطلاعایی  
 محبوب علیجان مختار اموه سلطنت  
 و دویمی مع نقل عرض سیر عدل بهادر  
 در تحقیقات مجرم و مال و مسروقه  
 در قلمه معنی سجل مبر خاص فرموده  
 حکم احرامی برشته دادند بهادر  
 اداب و کورش اینجند بهادر و قلعه  
 بهادر داخل ایوان شنیده  
 نصف النهار حکام نعمت برای  
 مایه طعام گشته قبله گاه استند  
 بادای نماز یکشنبه و دیگر اشغال دیر  
 خواننده آخرین نهاد متوجه سیر بازر

شام گاه از آنجا مراجعت نموده  
 اشعز بر از چهره صاحبقرانی بابوا  
 جهانبانی شدند بعد شرف پایی  
 احترام الدوله بهادر مرزا علی بخش  
 و غیره سلاطین حاضر شده ادب  
 و کورنش موعوض گنایند حضور  
 رایده زین محفل عقد گردید و  
 با ضمیمه شایسته نکاح بهر مرزا علی بخش  
 بهادر بر و بر و حضور شدند بعد  
 حایل کل و خرد تقسیم شدند  
 و حضور بر نور جلوه افشردند  
 مشکوی خسروی کبود پدند فقط

**یوم نهم شب ششم**

بنمود سرخانی شفق فرغیده وقت  
 نمود انموده احترام الدوله بهادر  
 بر شفق انجمن فایز نموده رونق  
 سوز و زور و مبارزه با نیکو بستند و  
 بادات و کورنش بهادران نامی  
 نیز رفته بلاخطه قطعه شده والا

۶ اسمی استندت بهادله انجمنی و فودله  
 و زودی اسباب خصم جان و سبیل  
 آمدن تحقیقات نال مسروده و محرم  
 و تعلقه مبارک مع نقل عرضی بهر عدل  
 بهادر دار الاقصاف سلطانی سحلم  
 بهر خاص فرموده حواله قلام اخذ  
 سر جوکی نمودند و نایر بلاخطه قطعه نمودند  
 استسنت بهادر مع کاغذ زر مسنگ -  
 یکصد جمل و شت بر و بدینج از چهار  
 بابت باقیات ادنی موضع شد ترا  
 منجمله قسط کنور سا لگرام دومی سنگه  
 و غیره فرمودند که در اخلاصی ان ترب  
 کرد و بعد از ان از دربار برخاسته  
 داخل کاشانه اقبال نصف النهار  
 شکام نعمت برای نایده طعام گشته  
 قتلوه گاه از استندت نادای نماز  
 و دیگر اشغال بوشین عصر گذاردند  
 اخونین نماید در دولت را از قدم  
 بیض توام زنگه چین گشته باز  
 رونق افزون محل نطق گشته شایگاه  
 حسب معمول احترام الدوله بهادر را یاد

# یوم جمع است و یوم مہتمم

بادای سنن و فریضہ یوم آدینہ حرام  
 الدولہ بہادر را سعادت نبض خناس  
 مستعد ساختہ جلوہ آری در بار جہا  
 کشتہ حصار بندہ و قاراداب و کور  
 بجا آورده لبابہ خلیفہ اللہ استناد  
 و محمد ابراہیم جو لاسکہ و نورین  
 جو دار از طرف اہمیت ہا در  
 و قلعدار ہا در بحر اوقشیم رسانیدہ  
 و بلاخطہ قطوہ شرف کرامت مرفوعہ  
 مکی اسمی اسست بہادر سے نقل  
 عرضی میر عدل بہادر شہر رسیدن  
 مسی قلندر بخش و مسماہ ہون  
 ساکنان قصبہ دو جانہ اندرون  
 قلعد مبارک و عند الامامہ رختک  
 بیانی انہا با شہادہ بودن مسماہ  
 مذکور مفرورہ نسبت نجا بخش  
 دشمن بدین ارشاد کہ مردوکت  
 مذکورین را احتیاطاً تزدانندوی

خاص فرستادہ تا ان ارادت نشانی  
 انہا را تزد بخشیت بہادر دہلی  
 فرستادہ بر نگارہ کہ مردود را در  
 قصبہ دو جانہ نزد رئیس ارجا کھنڈ  
 و دہلی مقصد رسیدہ مبلغ مکصد  
 و جیل و شرف و رو بہ بیچ انہا جہا  
 باقیات ادنی موضع شد ہر اہل  
 سبیل مہر خاص نمودہ حکم اجرا  
 دادند بعد از ان داخل محل مصلی  
 کشتہ نصف النہار ہنگام  
 نعمت مایہ طعام شدہ قبولہ  
 گاہ اسکتند بادای نماز شہز  
 و دیگر اشغال دشمن عصر خواندند  
 خسرین ہنار بعضی حضور  
 توڑک زکات و عمدہ عقیدت ماب  
 را بدہ شہر و سیر حاجی و گشت  
 و مرغوب کردہ ہند شام گاہ از ان  
 ہر اہل کشتہ ہندہ و داخل کاشانہ  
 اجدال کشتہ بعد مغرب  
 حسب معمول احترام الدولہ بہادر  
 را یاد نمودند فقط . . . . .

# وہلے اردو خیار

## اسکندریہ

کار سیادت بیانی کزت کا ۱۹ تاریخ  
 فوسیر کو اسکندریہ سی لکھتا ہو کہ سبب  
 تبدیلی وزیر کے قسطنطنیہ میں اور  
 مقرر ہوئی رشید ہاشم کے منصب  
 وزیر اعظم برائے ممالک شرق  
 انواع و اقسام کے خیالات پہنچنے  
 ہیں کیونکہ وزیر اعظم کو جس کے تدابیر  
 وزیر سابق علی ہاشم سے پہلے مختلف  
 ہیں وہ دل کا فیاض ہو اور لارڈ  
 سرفیروڈی زوکلف صاحب اور  
 بہت دوست اور حامی ہیں اور  
 حقیقت لارڈ موصوف جو کہ قسطنطنیہ  
 میں بہار ۱۹۰۱ء میں گیا ہو کہ تمام  
 سلطنت روم میں رشید ہاشم صاحب  
 ایک دیانت دار آدمی ہو گا اور  
 فرانس اس تبدیلی کو نہیں لے گا کرتی ہوں

کراچی دارالانوار  
 سلاطین  
 کراچی دارالانوار  
 کراچی دارالانوار